

در سال ۲۰۰۱، به بهانه‌ی مبارزه‌ی جهانی با تروریسم لشکرکشی آمریکا به منطقه و افغانستان صورت گرفت، به این بهانه که ما می‌خواهیم تروریسم و این خطر امنیتی جهانی را از بین ببریم. یعنی آمریکایی‌ها این مسئله را مطرح کردند که امروز از ناحیه‌ی تروریسم، صلح و امنیت جهانی به خطر افتاده است. همین‌جا هم عرض کنم که این موضوع هسته‌ای ایران هم در حقیقت در همین مسیر قرار دارد که این کار تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است و از همان زمان هم این موضوع را تبدیل به یک پرونده کردند.

آمریکایی‌ها اول به افغانستان آمدند، سپس در سال ۲۰۰۳ به عراق آمدند. عراق را اشغال کردند. از سال‌های ۲۰۰۶ به بعد که علائم شکست خودش را نشان داد، می‌بینید که جهت عملیات اینها به سمت لبنان رفت. در سال ۲۰۰۶، جنگ ۳۳ روزه رخ داد. در سال ۲۰۰۸ به فلسطین آمدند. در سال ۲۰۱۰ مجدداً عملیات فلسطین بود (جنگ‌های ۸ روزه و ۱۱ روزه رژیم). در سال ۲۰۱۱ باز هم عملیات صورت گرفت. بیداری اسلامی و حمله به سوریه تحت عنوان اینکه ملت سوریه علیه رژیم ایستاده‌اند، در سال ۲۰۱۱ بود. ۲۰۱۴ مسئله‌ی داعش و عراق بود. ۲۰۱۵ مسئله‌ی تجاوز به یمن بود. در همه‌ی این ادوار که شما نگاه می‌کنید، موضوع ایران و مسئله‌ی افزایش تحریم‌ها علیه ملت ایران بود. این را از این جهت من عرض کردم که آنچه که در منطقه اتفاق می‌افتد و اتفاق افتاد، یک موضوع جدای از هم نبود. یعنی این نبود که در افغانستان یک موضوع باشد، در عراق یک موضوع باشد، در سوریه، لبنان، یمن یک موضوع باشد. اینها همه به هم پیوسته و در چارچوب یک طرح بود. اما در دو کشور، در دو سرزمین، آمریکایی‌ها حضور نظامی گسترده‌ای داشتند؛ در افغانستان و به دنبال آن در عراق بود. در هر دو منطقه، طرح آمریکایی‌ها ناکام ماند و شکست خوردند. خیلی خسارت وارد کردند اما این شکست جدی و قطعی بود.

در مسئله‌ی افغانستان، در دو سال و نیم گذشته، آمریکایی‌ها طراحی شده خارج شدن (من تأکید دارم که بگویم طراحی شده خارج شدند). امروز هم حضور نظامی آنها وجود ندارد اما شیپنتت آمریکایی‌ها همچنان هست. یعنی سیاست آمریکا و اهداف آمریکایی‌ها تغییر نکرده است. نباید جغرافیای افغانستان به سمت ثبات امنیت رود. جغرافیای افغانستان باید تهدیدی برای جمهوری اسلامی باشد. باید در ارتباط به چین، روسیه، کشورهای منطقه تهدید به حساب آید. همین امروز هم آمریکایی‌ها در افغانستان با تقویت تروریستی مثل داعش دنبال ایجاد نگرانی برای کشورهای آسیایی هستند و ایجاد پایگاه نظامی را در دستور کار دارند. از تاجیکستان دنبال این کار هستند، از بکستان دنبال این مسئله هستند که آن را انجام دهند. اینکه چرا آمریکایی‌ها موفق نشدند، یک نکته‌ی مهمی است و در همین کتاب که منبع است، ذکر شده است. منابع این کتاب دو بخش دارد؛ یک بخش آن اسناد محرمانه است که خود آمریکایی‌ها و متحدین آمریکا آن را منتشر کردند. بخشی از طریق رسانه‌ها منتشر شده است و برخی توسط خود دستگاه‌های حاکمیتی است. یک بخش هم روایت‌های شفاهی است. یعنی آن نظامی‌ها و مسئولینی که در داخل افغانستان بودند و صحنه و تحولات صحنه را روایت کردند.

به چند دلیل آمریکایی‌ها ناکام ماندند. من این کتاب را هم که تورق کردم، به نوعی در روایت‌های شفاهی و اسناد آن، دلیل این ناکامی‌ها ذکر شده است. یک دلیل شکست این است که آمریکایی‌ها به جز منافع خودشان، به منافع هیچ کس دیگری توجه ندارند. یعنی فقط منفعت خودشان مهم است. حتی منافع متحدین آنها هم مهم نیست. یعنی همان آلمان که

در مسئله‌ی
افغانستان، در دو
سال و نیم گذشته،
آمریکایی‌ها
طراحی شده خارج
شدند (من تأکید دارم
که بگویم طراحی شده
خارج شدند).
امروز هم حضور
نظامی آنها وجود
ندارد اما شیپنتت
آمریکایی‌ها
همچنان هست.
یعنی سیاست
آمریکا و اهداف
آمریکایی‌ها تغییر
نکرده است.
نبايد جغرافیای
افغانستان به
سمت ثبات امنیت
رود